

برنامه ریزی اسرائیل در قدس

نوشته یوسف رفیق جبارین
ترجمه جواد شعر باف، فاطمه کاظمی



فهرست

۹	پیشگفتار
۱۹	فصل ۱. مقدمه
۲۱	تعریف برنامه ریزی
۲۲	برنامه ریزی اسرائیل برای سیطره کامل بر قدس
۲۳	نتایج برنامه ریزی سلطه در قدس
۲۸	مراحل برنامه ریزی برای سلطه بر قدس
۳۹	فصل ۲. برنامه ریزی قدس، اخراج فلسطینیان
۴۰	طرح های اصلی شهرسازی قدس از قیمومیت انگلیس تا اشغال اسرائیل
۴۵	دور کردن فلسطینیان از مشارکت در برنامه ریزی شهرشان
۵۲	برنامه ریزی در دوره حکومت اردن
۶۴	از بین رفتن حق مشارکت فلسطینیان در دوره اشغالگری اسرائیل
۶۷	خلع ید مالکیت
۷۷	نتیجه گیری

- ۸۱ فصل ۳. برنامه‌ریزی اسرائیل در قدس ۱۹۲۰-۲۰۱۴ م. _____
- ۸۱ برنامه‌ریزی جدید محله‌های یهودی در دورهٔ قیمومیت _____
- ۸۲ قدس غربی _____
- ۹۱ ۱۹۶۷: قانون اسرائیلی و مصوبهٔ الحاق قدس شرقی _____
- ۹۲ طرح اصلی و جامع قدس ۱۹۶۸ (جلد الف و ب) _____
- ۹۶ منطقهٔ عیسویه و دانشگاه عبری _____
- ۹۸ روستاها یا محله‌ها _____
- ۹۹ شبکهٔ خیابان‌ها و راه‌ها _____
- ۱۰۵ برنامه‌ریزی اسرائیل در سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۷۰ م. _____
- ۱۰۸ برنامه‌ریزی اسرائیل طی سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۰ م. _____
- ۱۱۶ برنامه‌ریزی اسرائیل طی سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۹ م. _____
- ۱۲۱ نقشهٔ ساختاری شمارهٔ ۲۹۶۹، منطقهٔ التماس _____
- ۱۲۸ طرح مسیرهای خطوط ارتباطی (طبق Kroyanker, 1982) _____
- ۱۲۹ طرح شمال قدس، مرحلهٔ برنامه‌ریزی مقدماتی _____
- ۱۳۲ برنامه‌ریزی اسرائیل در سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۰ م. _____
- ۱۳۵ برنامه‌ریزی اسرائیل در سال ۲۰۰۱ م. _____
- ۱۴۰ نقشهٔ ۲۰۰۰ _____
- ۱۵۰ طرح‌های دیگر _____
- ۱۵۲ نقشهٔ ۱۲۷۰۵، شیخ جراح _____
- ۱۵۵ نقشهٔ شمارهٔ ۱۲۵۴۲، مرکز کیدم _____
- ۱۶۱ خلاصه _____

۱۶۳	فصل ۴. آینده قدس طبق طرح‌های ملی و محلی اسرائیلی
۱۶۳	الف. طرح‌های ملی اخیر (شماره ۳۵)
۱۶۵	ب. طرح اخیر منطقه قدس
۱۶۷	ج. طرح گسترده محلی اخیر قدس
۱۷۱	اهداف برنامه‌ریزی در طرح قدس ۲۰۰۰
۱۷۱	سیاست‌های جمعیتی در طرح قدس ۲۰۰۰
۱۷۶	سیاست‌های اسکان فلسطینیان در قدس شرقی
۱۷۸	راهبردهای برنامه‌ریزی طرح
۱۷۹	برنامه‌ریزی مصادره اراضی بین گذشته و آینده
۱۸۲	راهبردهای برنامه‌ریزی مکانی در قدس شرقی
۱۸۲	الف. رشد طبیعی نواحی فلسطینی
۱۸۳	ب. قطع ارتباط بین مناطق شهری فلسطینی در قدس شرقی
۱۸۴	ج. تسلط بر حوض مقدس و مناطق اطراف آن
۱۸۶	د. تغییر نشانه‌های ژئوپلیتیکی نقشه قدس
۱۸۶	ه. توسعه اقتصادی دوگانه
۱۹۰	خلاصه
	 فصل ۵. چکیده: نقض حقوق فلسطینیان در زمینه سیاسی و قومی در برنامه‌ریزی
۱۹۳	سیطره اسرائیل در قدس
۱۹۹	پیشنهادها
۲۰۱	کتابنامه

پیشگفتار

قدس مذهبی ترین شهر جهان است؛ شهری که محل تلاقی سه دین بزرگ ابراهیمی در طول تاریخ بوده است و از این نظر مکانی بی نظیری در میان شهرهای جهان دارد؛ شهری در میانه آسمان و زمین، پایی در گِل تاریخ و گُل جغرافیای جهان و منطقه؛ شهری آیین مدار که بارها، علی رغم تعالیم دین و رهبران آن که به صلح و صفا و آرامش دعوت می کرده اند، جنگ ها به خود دیده و بارها لگدکوب سم شتوران مست رومی و چکمه سربازان خلافت و شنی تانک های متجاوزان و اشغالگران یهودی شده است؛ شهری که برخلاف نامش که با صلح و آرامش و تقدس ممزوج شده ندرتاً این هر سه را هم زمان و مستمراً به خود دیده است؛ شهری که باید دریچه ای به آسمان و تقدس و خانه ای تقدیس شده برای مقدسان هم جوارش باشد تا به راحتی به مقدسات خویش و به طواف قدس الاقداس آن پردازند و باری تعالی را تسبیح و تقدیس کنند به مکانی تبدیل شده که قداست آن همه روزه با وجود مهاجمان و اشغالگران ملوث می شود و جایی برای طهارت ذاتی این مقام باقی نمی گذارد. اینک سالیان درازی است که تقدس بیت المقدس لکه دار شده و دیوان و ددانی بر این مصلاهی فرشتگان پا می گذارند که رفتارشان اثری از آن طهارت را

برنمی‌تابد و هر روز آن مکان قدسی و آن سرزمین مقدس را به وجود خویش ملوث‌تر می‌کنند.

موضوع اشغال این شهر آسمانی و تخلیه قدس از ساکنان اصلی، و به عبارت بهتر یهودی‌سازی آن، از زمان‌های دور مورد توجه جنبش صهیونیسم بوده است. پیشتر، در زمان خلافت عثمانی، یهودیان بسیار کوشیدند تا مسئله ورود به بیت‌المقدس و هم‌جواری و سکونت در آن را از منظر دینی با باب عالی حل کنند و در این راه حاضر شدند امتیازات مالی هنگفتی به خلیفه و اطرافیانش نیز اعطا کنند؛ اما موضع سرسخت سلطان عبدالحمید دوم مانع از این کار شد.

جنگ جهانی اول و سپس عقد قرارداد سایکس پیکو و نیز وعده تأسیس وطن یهودی از سوی بالفور - وزیر خارجه وقت بریتانیا - زمینه را برای ورود و استقرار آنان در فلسطین، به‌ویژه در بیت‌المقدس، فراهم آورد. موج دوم مهاجرت یهودیان در فاصله میان دو جنگ و در غیاب خلافت عثمانی که مانعی اساسی بود و در زمان قیمومت انگلیس رخ داد، جنگ جهانی دوم و سپس تأسیس این دولت جهشی بزرگ در اشغال و کنترل قدس بود. ناهماهنگی ارتش‌های عربی و خیانت اردن در واگذاری بخش‌هایی از قدس، در ازای صلح و تصویب واگذاری بخش غربی بیت‌المقدس به یهودیان، سنگ بنای خیانت مدامی بود که آثارش تا امروز دامن فلسطینیان و دنیای اسلام را گرفته است. روند اشغالگری مستدام به قدس غربی منتهی نشد و در ۱۹۶۷ بخش شرقی آن نیز به اشغال درآمد. از آن زمان تا کنون، در بطن و متن این شهر و حاشیه و حومه آن، هر جا که امکان توسعه و تأسیس شهرک میسر بوده، دولت اشغالگر از این کار دریغ نکرده است و البته که در این روند به صدای هیچ اعتراضی در

داخل و خارج و حتی از سوی هم‌پیمانان اروپایی یا آمریکایی خود نیز گوش نسپرده است.

سیاست تهودید یا یهودی‌سازی این شهر پس از پیدایش رژیم صهیونیستی رنگ و بوی دیگری به خود گرفت و شکل و شمایل جدیدی پیدا کرد. اشغالگران، همان‌گونه که فلسطین را بدون ساکنان اصلی آن می‌خواستند، برای این ادعای خود گزارهٔ دروغی را با عنوان «کشوری بدون ملت برای ملتی بدون کشور» تولید و منتشر می‌کردند و این دروغ را می‌پراکنند که ما به کشوری پا می‌گذاریم که به لحاظ تاریخی متعلق به ماست و اساساً ملتی در آن زندگی نمی‌کند یا نمی‌کرده است. مشابه همین داعیه را کاشفان (!) قارهٔ جدید برای تصرف، اشغال، و استعمار آمریکا نیز به کار بردند و منظورشان آن بود که تا پیش از ما انسانی و بشری ساکن این مناطق نبوده است. اشغالگر نه تنها سرزمین را خالی و بی‌سکنه می‌خواست، بلکه انسان‌های ساکن را نیز نمی‌دید و اساساً ماهیت و شأنی انسانی برای آن‌ها قائل نبود؛ و گرنه کشف قاره‌ای بدون توجه به حضور بومیان ساکن و حی و حاضر چه معنایی جز این می‌دهد؟

شهر با وجود ساکنان بومی معنای دیگری داشت. برای همین و بر اساس آنچه برادر بزرگ‌تر در آمریکا انجام داد و پاک‌سازی (!) نژادی صورت گرفت، در فلسطین و به‌طور خاص در بیت‌المقدس نیز این رویه و سیاست در پیش گرفته شد. اینک در کمتر محلهٔ قدیمی شهر قدس می‌توان ابنیه‌ای فلسطینی را دید. شهر در محاصرهٔ انبوهی از شهرک‌نشینان سراپا مسلح است که به ساکنان اصلی آن مجال نفس کشیدن نمی‌دهند. آن‌ها از هدم اماکن و بیوت به حذف ساکنان و بومیان رسیده‌اند و حضور و دیدارشان برای اشغالگران آینه‌های شکسته‌ای است که در هر قطعه‌اش انعکاس تجاوز هویدا است. بیت‌المقدس

برای پایتختی اسرائیل و دولت یهودی باید پاکسازی نژادی می‌شد و شهر از انبوه ساکنان اصلی‌اش تخلیه می‌گردید. قیمت و هزینه این پاکسازی البته موضوع چندان مهمی نبود.

اشغال بیت‌المقدس البته که نقطه‌نهایی نبود، هدف تخلیه کامل شهر و یهودی‌سازی کامل آن بود. وجود فلسطینیان - ولو اندک - در این شهر گواهی معتبر بر تصرف و تسخیر شهر در مقابل دیدگان صاحبان اصلی‌اش بود. شهر اشغال شده در متن و بطن خویش بسیاری گواهان معتبر و صاحبان خانه و دارای کلید داشت که تحت هیچ شرایطی به تخلیه این مکان و واگذاری منزل و مسکن و خانه و کاشانه - و در حقیقت هویتشان - حاضر نبودند؛ بنابراین، برای بیرون‌ریختن ایشان روش‌های مختلفی در پیش گرفته شد تا آنان که به زور اسلحه و فشار سرنیزه حاضر به خروج از شهر نبودند، به لطایف‌الحیل دیگری تن به ترک شهر بسپارند و مرده‌ریگ خود را به دشمن دهند.

گروه‌های تخصصی با حمایت و راهنمایی‌های مشاوران خارجی (به‌خصوص آمریکایی) راه‌های اخراج محترمانه و البته مبتنی بر قانون شهر اشغال شده و مجلس اشغالگران را در پیش گرفتند. سخت‌گیری‌های قانونی و اعمال مجازات‌های حقوقی برای کسانی که مایل به ترک شهر نبودند چنان عرصه را بر ساکنان اصلی تنگ کرد که از ابتدای دهه ۸۰ موج اخراج از شهر آغاز شد و تا زمان حاضر نیز ادامه یافته‌است.

مقایسه قوانین اسکان و مقررات شهرسازی و مواد و تبصره‌های گوناگونی که در کتاب حاضر به برخی از آن‌ها اشاره شده‌است به‌خوبی نشان می‌دهد که این سیاست در نهایت بسیار کارگشا و در اخراج فلسطینیان از شهر تا چه حد کارساز بوده‌است. بخش شرقی این شهر اینک کمترین میزان حضور و سکونت فلسطینیان را نسبت به دهه‌های قبل شاهد است.

ترکیب جمعیتی بیت المقدس در طول سالیان همواره به نفع فلسطینیان بوده است. آنان تا نیم قرن گذشته نیز در این شهر حضور حداکثری داشتند. به گواهی آمار ارائه شده در کتاب حاضر، از ابتدای دهه ۳۰ میلادی و پس از استقرار انگلیس در این منطقه و قیمومیت آن، تغییر ترکیب جمعیتی این شهر در دستور کار قرار گرفت: نخست، نقشه‌های مختلفی برای بازسازی شهر و استقرار مهاجران تدارک دیده شد. این نقشه‌ها به تدریج اصلاح شد و اهمیت یافت و اندک‌اندک شکل و شمایل شهر بر وفق نقشه‌هایی درآمد که تدارک دیده شده بود. در پی نقشه‌کشی‌های مستمر و حساب شده و با برنامه‌ریزی دقیق، شهری که اکثریت ساکنان آن مسلمان و فلسطینی بودند اینک به شهری مُبدل شده است که کمتر نام و نشانی از فلسطینیان در آن دیده می‌شود.

سازمان‌دهی دقیق مناطق شهری و استقرار حساب‌شده مهاجران در بخش‌های مختلف و اشغال و سپس تصرف تدریجی همه بخش‌های آن، و افزون بر آن، طرح جدیدی که نام «حوض مقدس» بر آن نهاده‌اند (و به بهانه‌های مختلف بخش‌های جدیدی را از ساکنان اصلی سلب می‌کند و در اختیار دولت اشغالگر می‌گذارد) سبب شده است تا این شهر در طول نیم قرن از ساکنان اصلی خود تخلیه شود و جای آنان را مهاجران یهودی بگیرند. از دهه پیش به این سو، مهاجران یهودی و اشغالگران اسرائیلی اکثریت را در دست گرفته‌اند. چنانچه این اکثریت عددی در قدس را به اکثریت مطلق شهرک‌نشینان حلقه بیت المقدس بیفزاییم، عمق واقعه یهودی‌سازی قدس و اخراج ساکنان از این شهر و حومه آن را در خواهیم یافت.

تحمیل سیاست امر واقع و اخراج سازمان‌دهی شده ساکنان اصلی به دست اشغالگران دیر زمانی است که از سوی دولت اعمال می‌شود. هدف خارج کردن

قدس از حوزه سکونت فلسطینیان و اخراج شهروندان قدیمی و اصیل از این منطقه است. دولت عبری نه تنها به تخلیه بیت المقدس از فلسطینیان بسنده نکرده و نمی کند، بلکه با برنامه ریزی دقیق، حلقه دوم اطراف شهر را نیز با طرح های مختلف شهرک سازی تحت سیطره خود درآورده است. انبوه سازی مساکن برای مهاجران و ارائه بسته های تشویقی برای مهاجرت شهرک نشینان سایر مناطق به اطراف قدس و ترغیب یهودیان داخلی و خارجی به اسکان در حلقه دوم از دیگر سیاست های تهوید قدس به شمار می رود. نقشه های اسرائیل برای سلطه کامل و درازمدت بر بیت المقدس و سیاست امر واقع و شهرک سازی های مستمر و پایان ناپذیر حاکی از آن است که این رژیم تحت هیچ شرایطی حاضر به تجدید نظر در این روند نیست. در این راستا، مقامات اسرائیل مخالفت های همه جانبه نهادهای بین المللی و حتی کشورهای دوست و همسورا نادیده انگاشته اند و با سرعت هر چه تمام تر می کوشند تکلیف این شهر و اطرافش را برای همیشه یکسره کنند.

بسط اشغالگری و تعمیق شکاف ها و اختلافات میان ساکنان اصلی و متجاوزان و متصرفان به عنف با پشتوانه و پشتگرمی دولت اشغالگر بر خصومت و دشمنی پایدار میان دو طرف دامن زده است. نگرانی از توجه ویژه به متصرفان این شهر و نادیده گرفتن ساکنان اصلی به هر نحو ممکن داستان پُر آب چشمی فرا روی خواننده کتاب قرار می دهد. مخاطب از حجم خصومت و دشمنی عمیق اشغالگران با ساکنان قدیمی شهر و ابزارها و روش های دور کردن و پراکندن آنان - که در کتاب حاضر به تفصیل از آن سخن رفته است - به حیرت می افتد. محدودیت های گسترده در تردد فلسطینیان به بهانه های مختلف، مخالفت های سازمان یافته درباره ساخت و ساز بناهای قدیمی ساکنان اصلی، تبدیل اماکن مسکونی به فضاهای سبز و پارک و اماکن

عمومی، نابرابری مطلق توسعه شهری در مناطق شرقی و غربی، ممانعت از بازسازی مناطق شهری در شرق بیت المقدس و تعدد در تخریب این اماکن، مزاحمت‌های مستمر برای فلسطینیانی که تمایل به بازگشت به این شهر دارند، و بسیاری دیگر از روش‌های نامعمول در نادیده گرفتن حق حیات و معیشت ساکنان اصلی این شهر را به نماد اشغالگری عریان و بی ضابطه تبدیل کرده است.

آخرین حلقه از نقشه‌های متعدد دولت اشغالگر در کنترل نهایی و اخراج ساکنان اصلی و یهودی‌سازی این شهر حمایت صریح و بی‌واسطه دولت‌های برآمده از احزاب مختلف آمریکا از طرح‌های دولت یهودی است. کشوری که بارها ادعای میانجیگری و عدم جانبداری در مذاکرات را مطرح می‌کرد، در سه دهه اخیر و به لطف حمایت‌های مستمر و همه‌جانبه خویش در تمامی عرصه‌ها (سیاسی، نظامی، حقوقی، مالی، بین‌المللی، اقتصادی، و جز آن) آخرین تیر را به‌سوی پیکر نحیف تشکیل دولت مستقل فلسطینی شلیک کرد. ترامپ، برخلاف مشی و رویه رؤسای جمهور سابق آمریکا، نه تنها وعده انتقال سفارت از تل‌آویو به بیت‌المقدس را به‌صراحت در نطق‌های انتخاباتی خویش مطرح کرد، بلکه در اقدامی بی‌سابقه و بدون توجه به افکار عمومی جهانیان، با صراحت هر چه تمام‌تر موضوع نمادین انتقال سفارت به بیت‌المقدس را به حرکتی عملی تبدیل و مصوبه آن را امضا کرد. به استظهار همین حرکت رئیس‌جمهور آمریکا بود که دولت یهودی کار قدس را تمام شده و در حقیقت این حرکت وی را نقطه ختامی بر تمامی تلاش‌ها و نقشه‌های انتقال پایتخت به بیت‌المقدس تلقی می‌کند. کتاب حاضر سیر این حرکت را از دهه‌های گذشته تاکنون به‌خوبی به تصویر می‌کشد.